

مهندس محمدکاظم سیفیان  
استادیار گروه آموزشی معماری  
دانشکده هنرهای زیبا



## چکیده

یکی از کارهای بسیار ضروری و مهم در رابطه با بحث معماری و شهرسازی اسلامی تطبیق مقررات و الگوهای جاری معماری و شهرسازی با قاعده لاضرر می‌باشد که از مشهورترین قواعد فقهی اسلام می‌باشد و یکی از امتیازات این قاعده این است که بر قاعده تسلیط تقدم دارد. به عبارت دیگر قاعده لاضرر به منظور محدود کردن اقتدارات و اختیارات قاعده تسلیط مقرر گردیده یعنی در نظام اسلامی به صرف مالک بودن نمی‌توان هر نوع تصرفی را شخص در ملک خود اعمال نماید و به موجب قاعده لاضرر تصرفات در ملک شخصی بایستی مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد که سبب اضرار به دیگران نگردد حال این ضرر مادی یا معنوی باشد فرق نمی‌کند و اولین قدم بررسی وضعیت کنونی شهرها مخصوصاً شهرهای بزرگ نظیر تهران و در تطبیق آن با قاعده لاضرر می‌باشد و در صورت تعارض با قاعده لاضرر، رسیدن با الگوهای مناسب معماری و شهرسازی است که منطبق با مقررات و ضوابط باشد و لذا قاعده لاضرر می‌تواند به عنوان مبنا و زیربنای ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی اسلامی قرار گیرد.

# قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی

## مقدمه:

قاعده لاضرر قاعده‌ای است که از حدیث نبوی (ص) «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» استفاده می‌شود و یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که خود مستند بسیاری از مسائل فقهی می‌باشد. به موجب این قاعده، در یک نظام اسلامی هر حکمی که اجرای آن مستلزم زیان رساندن به دیگران شود، قابل اجرا نخواهد بود؛ حال این زیان جانی باشد و یا مالی و یا معنوی و روحی فرق نمی‌کند

## مدرک قاعده لاضرر

قبل از ورود به بحث اصلی باید متذکر شد که علاوه بر مستندات شرعی، دلایل عقلی بر نفی ضرر و ضرار حکم می‌کند؛ گرچه عقل خود نیز یکی از مهمترین دلایل بر حجیت و صحت مدرک و منبع فقهی است. به هر جهت عقل حکم می‌کند که بهره‌مندی یک فرد و یا یک گروه، نباید مستلزم زیان رساندن به دیگران باشد.

علاوه بر عقل، قرآن مجید و روایاتی که در این باب وارد شده است حاکم بودن قاعده لاضرر را بر روابط و مناسبات مردم تصدیق می‌کند. آیات وارده در این مورد از جمله آیات ۲۳۳ و ۲۳۱ و ۲۸۴ از سوره بقره و نیز آیه ۱۲ از سوره نساء است.

ملاحظه شد که عقل و کتاب آسمانی یعنی قرآن کریم، بر اعتبار

قاعده لاضرر حکم می‌کند. اکنون یکی دیگر از ادله فقهی یعنی سنت را بر حجیت قاعده لاضرر ملاحظه می‌کنیم. البته در خصوص قاعده لاضرر روایات بسیاری وارد شده که دارای مضمون واحدی است، اما معروفترین حدیث، در مورد داستان «سُمُرَةُ بن جُنْدَب» است که در ذیل آن، جمله: «لاضرر و لااضرار» دیده می‌شود. این حکایت به طرق گوناگون نقل شده و اما آنچه در کتب فقها و محدثین از جمله مرحوم کلینی در اصول کافی از امام باقر «علیه السلام» آورده این است که در زمان رسول اکرم (ص) سُمُرَةُ بن جُنْدَب، در جوار خانه مردی از انصار درخت خرمايي داشت که راه عبور آن از داخل ملک مرد انصاری می‌گذشت. سُمُرَةُ، برای سرکشی به آن درخت و انجام امور بکرات و سرزده وارد ملک مرد انصاری می‌شد. روزی مرد انصاری به سُمُرَةُ گفت: «تو بدون اعلام و اطلاع وارد منزل من می‌شوی و اهل خانه‌ام از این موضوع ناراحت هستند زیرا ممکن است اعضاء خانواده‌ام در وضعیتی باشند که تو نباید آنها را ببینی. از این رو بعد از این، هنگام عبور قبلاً اطلاع بده و اجازه بگیر تا اهل خانه‌ام مطلع باشند».

سُمُرَةُ گفت: «من از میان خانه تو به سوی باغ خودم می‌روم و چون حق عبور دارم لزومی به اعلام و اجازه نمی‌بینم». مرد انصاری مجبور شد به حضرت رسول اکرم (ص) شکایت کند. حضرت به سُمُرَةُ گفت:

«بعد از این قبل از عبور، حضور خود را اعلام کن». سَمْرَه گفت: «نمی‌توانم این کار را بکنم». حضرت فرمود: «از این درخت دست بردار. به ازای آن، درخت دیگری با این اوصاف به تو می‌دهم». سَمْرَه قبول نکرد. حضرت فرمود: «در مقابل آن درخت، ده درخت بگیر و دست از آن بردار». سَمْرَه باز هم قبول نکرد. حضرت فرمود: «دست از درخت بردار به جای آن در بهشت یک درخت خرما به تو خواهیم داد». آن مرد ناخرد و ملعون این بار هم نپذیرفت تا اینکه حضرت رسول اکرم(ص) فرمود:

«أَنْتَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَّ وَ لَا ضَرَّ وَلَا ضَرَّ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ» (تو مرد سختگیر و ضررزننده‌ای هستی و نباید کسی به مؤمن ضرر بزند).  
لذا حضرت بعد از آن دستور دادند آن درخت را کنند و نزد سَمْرَه انداختند.<sup>۱</sup>

غالب استعمالات ضرر و اضرار و مشتقات آنها، مالی یا نفسی است. ولی کاربرد ضرار و مشتقاتش در تزییق، افعال حرج و سختی شایع و رایج است. در قرآن مجید هم، هر جا کلمه ضرر استعمال شده، به معنی ضرر مالی و یا جانی است ولی هر جا کلمه ضرار آمده، به معنای تزییق و ایصال حرج است. مانند آیه شریفه ۱۰۷ از سوره توبه در خصوص مسجد ضرار:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدَ ضَرَارًا وَ كَفَرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلِ وَ لِيَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنَى وَ اللّٰهُ يَشْهَدُ اَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ».

(آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول او بود و با این همه، قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم، خدا گواهی می‌دهد که محققاً ایشان دروغ می‌گویند).

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در این آیه شریفه، «ضرار» معنی ضرر مالی و یا نفسی نمی‌دهد. زیرا به قول امام خمینی(ره) منافقین قصد نداشتند مالی را تلف کنند و یا صدمه جانی به کسی برسانند، بلکه می‌خواستند عقاید مسلمانان را مشوش سازند و آنها را به زیان تفرقه و نفاق و دیگر مکروهات روحی و روانی گرفتار کنند. رسول اکرم(ص) برای دفع و قلع ماده فساد، دستور داد مسجد مزبور را خراب کنند و اثری از آن باقی نگذارند.

پس نتیجه می‌گیریم که در حدیث سَمْرَه بن جُنْدَب کلمه ضرر، به مفهوم نقص در مال و جان و کلمه «ضرار» به معنی تزییق و تشدید به کار رفته است. زیرا در این داستان «ضرار» متوجه مرد انصاری بود، یعنی تشدید و حرج و سختی برای خانواده او پدید آمده بود، چرا که سَمْرَه بن جندب به خاطر درختش بدون اطلاع و سرزده وارد خانه مرد انصاری می‌شد و این طرز رفتار باعث شده بود آسایش از خانواده مرد انصاری سلب شود و به سختی بیفتند.<sup>۲</sup>

البته، طبق نظریه امام خمینی(ره) حکم قاعده لاضرر که رسول اکرم(ص) در رابطه با مرد انصاری و سَمْرَه بن جندب صادر کرده‌اند، از جمله احکام حکومتی است. یعنی در حکومت اسلامی این فرمان برای همه مسلمانان واجب است.

### تقدم . قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط

قاعده تسلیط مانند قاعده لاضرر از جمله قواعد مسلم فقهی است.

مبنای این قاعده حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» است.<sup>۳</sup> بنابراین قاعده مالک می‌تواند در مایملک خود همه‌گونه تصرف به عمل آورد، بدون اینکه کسی حق مزاحمتی برای او داشته باشد. برخورد و تعارض چنین قاعده‌ای (قاعده تسلیط) با قاعده لاضرر امری طبیعی است. زیرا قاعده لاضرر به منظور محدودتر کردن اقتدار و اختیارهای ناشی از همین قاعده تسلیط مقرر شده و قطعاً با آن تعارض پیدا می‌کند.

در اینجا می‌خواهیم ببینیم در مقام معارضه این دو قاعده چگونه حل مشکل می‌شود.

فقه‌ها در این مقام نظریات مختلفی دارند که برای سهولت فهم، این موارد را به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کنند:

الف - تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر دیگری نیست، ولی موجب عدم انتفاع دیگری است. در این حالت قاعده تسلیط حاکم است، لذا تصرف مالک معتبر است.

ب - تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر دیگری است. این حالت خود شامل سه قسمت است:

۱ - عدم تصرف مالک در ملک خود باعث ضرر مالک می‌شود. در این صورت نیز قاعده تسلیط حاکم است.

۲ - عدم تصرف مالک باعث عدم انتفاع او می‌شود. در این مورد بین فقه‌ها اختلاف نظر وجود دارد. جمعی به حاکمیت قاعده تسلیط و گروهی به قاعده لاضرر حکم می‌کنند.

۳ - نه عدم تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر و نه تصرف او موجب نفع خود می‌باشد. در این صورت فقه‌ها متفقاً عقیده دارند که قاعده لاضرر حاکم است.

### توضیح قاعده تسلیط

بدیهی است دامنه قاعده تسلیط نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده، در ملک خود هر نوع تصرفی کند و اعمال این‌گونه تصرفات باید مبتنی بر قواعد و تحت اصول و ضوابطی باشد. به طوری که اگر قاعده لاضرر هم وجود نداشت، باز مالک حق نداشت در تصرفات خود موجبات اضرار به غیر را فراهم کند. یعنی تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد و در ورای این‌گونه تصرفات عقلانی، چنانچه مالک در ملک خود اقدام و تصرفی کند، عقلاً بر آن صحه نمی‌گذارند. لذا اعتباری نخواهد داشت.

علیهذا، تصرفات مالک در اموال خود، مانند سایر اعتبارات عقلایی محدود است و نباید از آن تعدی و تجاوز بشود و اگر چنین شد، شرعاً جوازی بر آن وجود ندارد. مثلاً گرچه هر شخصی حق استفاده از خانه مسکونی خود را دارد، ولی حق ندارد آن را از نظر کاربری به نحوی تغییر دهد که باعث مزاحمت همسایگان شود؛ مثلاً با قرار دادن دستگاه‌های پرسر و صدا و یا کارهایی مانند آهنگری و نظایر آن باعث اضرار گردد. لذا در این حالت شرعاً چنین اجازه‌ای ندارد و در اینجا قاعده تسلیط حاکم نیست و قاعده لاضرر حاکم است.

اما آنجا که تصرف مالک در ملک خود به سبب غرض و منظور عقلایی و در حدود متعارف و معمول باشد و این امر مستلزم ضرر به دیگری شود، به نحوی که از ترک تصرف، ضرر بر مالک یا فوت بعضی از منافع لازم بیاید، دو حالت عمده پیش خواهد آمد:



حالت اول، تصرف مالک در ملک خویش ابتدائاً و مستقیماً مستلزم ضرر یا تصرف در مال دیگری است. یعنی گرچه تصرف در مال مالک است ولی باعث تسری تصرف به مال دیگری است چنین حالتی موجب ضرر شده، لذا قاعده لاضرر بر آن حاکم است و باید جلوی این گونه تصرفات را گرفت، ضمن اینکه ممکن است ضمان هم پدید آید. مصداق این حالت در ساختمان سازی بسیار اتفاق می افتد. حالت دوم، گرچه تصرف مالک موجب ضرر به دیگری است ولی در عین حال، در ابتدا تصرف مالک از مصادیق تصرف در ملک دیگری و اضرار به دیگری نیست مانند کسی که در ملک خود عمارت چند طبقه بسازد، گرچه لازمه آن جلوگیری از نور خانه همسایه و در نتیجه باعث نقصان ارزش آن می شود، ولی عمل تصرف مستقیم نیست. یعنی گرچه مالک، ساختمان چند طبقه ساخته است ولی از آنجا که مستقیماً تصرف در ملک دیگری نیست، پس به حقوق و سلطه قانونی همسایه آسیبی وارد نشده، لذا به سبب تعارض دو قاعده یعنی تسلیط و قاعده لاضرر، قاعده تسلیط در مورد صاحب ساختمان به قوت خود باقی می ماند.<sup>۴</sup>

### قاعده لاضرر از دیدگاه قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران در معارضه اعمال حق و قاعده لاضرر، حاکمیت قاعده لاضرر را پذیرفته است. برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الف - اجبار همسایه را برای تعمیر دیوار مشترک، در صورتی که ضرر به طریق دیگر ممکن نباشد، مجاز دانسته است.
- ب - اجبار صاحب دیوار مشرف به خرابی را به تخریب آن، به علت ترس از اضرار به غیر، پذیرفته است.
- ج - تصرف مالک در ملک خود را در صورت اضرار به همسایه ممنوع کرده است. (جز در شرایط معین)
- د - تصرف در حریم را به منظور جلوگیری از ضرر به صاحب حریم، منع کرده و میزان حریم را نیز به اندازه ای معین کرده است که برای دفع ضرر کافی باشد.

ه - تقسیم مال مشترک و یا تفکیک ملک مشترک را در صورتی که متضمن ضرر شریک باشد، بدون رضایت او ممنوع کرده است. و - به هم زدن تقسیم را به لحاظ ظهور عیب و نقص در سهم یک یا چند نفر از شرکاء به لحاظ ضرر وارده جایز شمرده است.

### بررسی ضوابط و مقررات جاری شهرسازی معماری و تطبیق آن با قاعده لاضرر

یکی از کارهای ضروری که باید در رابطه با معماری و شهرسازی اسلامی صورت گیرد، انطباق مقررات و ضوابط جاری شهرسازی با قاعده لاضرر است برای این کار لازم است قبلاً نمونه و مصادیقی از تعارض قاعده لاضرر را در سیمای شهری مورد بررسی قرار دهیم و سپس اثرات و نتایج عدم رعایت قاعده لاضرر را مخصوصاً در رابطه با همجواری، ارزیابی کنیم. زیرا ما بر طبق قاعده لاضرر، معتقدیم که در یک نظام اسلامی نباید چیزی وضع گردد که به زیان مردم باشد؛ به عبارت دیگر در نظام اسلامی باید راه زیان رساندن به دیگران مسدود گردد. لذا بررسی وضعیت کنونی شهرها، بخصوص شهرهای

بزرگی مانند تهران و بیداکردن مواردی که با قاعده لاضرر تعارض دارد از قدمهای اولیه برای به دست آوردن الگوی معماری و شهرسازی اسلامی است و از همین طریق است که به یک وضعیت مطلوب و منطبق با مقررات و ضوابط اسلامی دست می یابیم. زیرا اولین چیزی که لازم است در حکومت و نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد، عدالت اجتماعی است و عدالت اجتماعی هرگز به ما اجازه نمی دهد که به صرف مالکیت (قاعده تسلیط)، هر کاری دلمان خواست انجام دهیم، لذا قاعده لاضرر برای محدود کردن قاعده تسلیط آمده است. به عبارت دیگر در مقررات و ضوابط شهرسازی اسلامی، بهره مندی یک فرد و یا یک گروه نباید مستلزم زیان رساندن به دیگری باشد. یعنی وقتی قرآن کریم می فرماید:

«والله جعل لکم من بیوتکم سکناً» (سوره نمل - آیه ۸۰)

(خداوند خانه های بتان را جای آرامش قرار داد و هدف از ایجاد مسکن برای بیتوته افراد، سکون و آرامش است.)

هیچ مقررات و ضوابط دیگری حق ندارد این آرامش را به هم بزند؛ چه این مقررات برای بهره مندی یک فرد باشد و چه یک گروه. در اینجا است که در تعارض بین قاعده تسلیط و لاضرر، قاعده لاضرر حاکم است. حال این سؤال مطرح است که اگر این آیه با این صراحت هدف از ایجاد مسکن را آرامش و سکون می داند، پس چرا اکثر مردم شهرنشین و مخصوصاً شهرهای بزرگ آرامش ندارند؛ حتی در اطاق و محل بیتوته آنها این آرامش از بین رفته است. این مشکل در کجاست که متأسفانه روز به روز هم بیشتر و بیشتر می شود.

به نظر می رسد که این مشکل را نباید در عدم آگاهی مردم جست و جو کرد؛ زیرا امروز انسانها به قدر کافی آگاهند. بلکه آن چیزی که باعث این ناهنجاری و عدم آرامش و سکون مردم شده، مقدم شمردن منافع کوتاه مدت، پیروی از شهوات، تکبر و برتری جویی های مادی است و تمام اینها باعث شده که قاعده لاضرر، که یکی از مشهورترین قواعد فقهی است و علاوه بر مستندات شرعیه دلایلی



امنیت خانواده‌ها، گوشه‌ای از مصادیق تعارض ضوابط معماری و شهرسازی کنونی ما با قاعده لاضرر است. چنانچه از دید علمی و کارشناسی به سیمای شهری بنگریم می‌توانیم مصادیق دیگری از این تعارض را بوضوح دریابیم. از جمله ضوابط و مقرراتی که باعث آلودگی صدا و آلودگی هوا شده، همچنین تعریض کوچه‌های امن و آرام به استناد طرح‌های تفصیلی و تبدیل آنها به خیابانهای عریض و قابل تردد و وسایل سنگین که واقعاً آرامش را از مردم گرفته است. اینها نیز از مصادیق بارز تعارض با قاعده لاضرر است. چنانچه قبول داریم که در یک نظام اسلامی، قاعده لاضرر برای محدود کردن قاعده تسلیط عقلی مسلم دارد، زیرا گذاشته شود و نتیجه آن شده است که آرامش و سکون از زندگی مردم رخت بر بسته است و قرآن چه زیبا گفته است: «يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و اکثرهم الكافرون» (آیه ۸۳ - سوره نمل).

(آنان نعمت خدا را می‌شناسند و به ابعاد آن آشنا هستند و به عمق آنهم پی برده‌اند ولی با این حال باز انکار می‌کنند.) یعنی همان‌طور که اشاره شد، دلیل کفر و انکار آنها عدم آگاهی نیست، بلکه پیروی از شهوات و منافع مادی و برتری‌جویی است. جالب اینجاست که این آیه بعد از آیه مربوط به خانه‌های ثابت و سیار در همان سوره نمل آمده و کنایه از این است که انسانها عقلاً نعمت داشتن خانه آرام و امن را خوب می‌شناسند ولی تکبر و برتری‌جویی‌های مادی اجازه نمی‌دهد که پیرو حق باشند، لذا راه کفران و ناسپاسی راطی می‌کنند. زندگی در شهرهای بزرگ این چنین دچار اضطراب و نگرانی شده است. یعنی اعراض از دستورات الهی این چنین عیش انسان امروزی را به هم زده و به همین علت است که قرآن می‌فرماید: «و من اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً و نحشره یوم الیقینة اعمی» (آیه ۱۲۴، سوره طه).

(هر کس از یاد من اعراض کند، زندگیش تنگ می‌شود و در روز قیامت نابینا محسورش می‌سازیم).

ولی صد افسوس که این انسان ناسپاس، با کفران نعمت‌های الهی، که یکی از آن نعمت‌ها داشتن مسکن امن و آرام است، روز به روز زندگی را بر خود سخت‌تر می‌کند. زیرا بسیاری از موفقیت‌های معنوی انسان، در پرتو محل امن و آرام به دست می‌آید و چنانچه انسان از این آرامش محروم باشد، مشکل است بتواند برنامه زندگی خود را به شکل مطلوب تنظیم کند؛ لذا بعید است چندان موفقیتی به دست آورد و یا در صورت حصول برایش گوارا باشد.

برای مثال وقتی خداوند در قرآن می‌فرماید:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها» (آیه ۲۱ - سوره روم).

(از آیات و نشانه‌های پروردگار متعال این است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید.)

چگونه ممکن است خانه‌ای که خود از سکون و آرامش بهره ندارد (رجوع کنید به آیه ۸۰ از سوره نمل که هدف ایجاد مسکن و آرامش است.) تأمین‌کننده آرامش موضوع این آیه باشد. در شهرسازی و معماری امروزه که حتی اطاق خواب و محل بیتوته انسانها در معرض دید نامحرمان است، چگونه آن آرامش قرآنی (آیه ۲۱ - سوره روم) تأمین می‌شود؟ آیا وضعیت معماری و شهرسازی ما با قاعده لاضرر

تعارض ندارد؟ آیا مشکل آن مرد انصاری با سُمرة بن جندب، غیر از این بود که حریم مرد انصاری مورد تعرض واقع شده بود. آیا مشرف بودن ساختمانها آن هم با فاصله بسیار نزدیک و تعرض به حریم خانواده‌ها، در یک نظام اسلامی قابل قبول است؟ آیا انسان به صرف مالک بودن، می‌تواند سبب اضرار به غیر شود؟ آن هم در حکومت و نظام اسلامی، یا در تعارض بین ضوابط و مقررات کنونی معماری و شهرسازی با قاعده لاضرر، قاعده لاضرر باید به شدت اجرا شود؛ همان‌طور که رسول خدا (ص) عمل کردند. البته باید توجه داشت مسئله مشرف بودن ساختمانها به یکدیگر و از بین رفتن آرامش و آمده است، همان‌طور که به دست مبارک رسول اکرم (ص) عمل شد، پس چرا ما معطلیم. چرا معماران و شهرسازان مسلمان ما دست روی دست گذاشته‌اند. تا آنجا که مقام معظم رهبری مجبور شدند شخصاً در این امر به مسؤلان تذکر دهند که چرا شهرهای ما دارای معماری و شهرسازی اسلامی نیست، آنهم بعد از نوزده سال که از انقلاب شکوهمند اسلامی می‌گذرد. واقعاً برای مسؤلان و دست‌اندرکاران معماری و شهرسازی مملکت، این گناه بزرگی است که بی‌تفاوت از کنار این قضیه بگذرند و باز هم خود را مسلمان و متعهد بدانند. باید توجه داشت که در قضیه مرد انصاری و سُمرة بن جندب تعارض با قاعده لاضرر چندان آشکار نبود، بلکه با شکایت مرد انصاری به حضور رسول اکرم (ص) این موضوع آشکار شد و در نتیجه رسول اکرم (ص) دستور لازم را صادر فرمودند، ولی اکنون تعارض معماری و شهرسازی، و ضوابط مربوط با قاعده لاضرر، چنان در سیمای شهری مشهود است که احتیاج به طرح شکایت نیست بلکه این یک وظیفه الهی برای همه

مسئولان مربوط به امور معماری و شهرسازی است. لازم است هرچه زودتر دست به کار شوند و با وضع مقررات و ضوابط منطبق با دستوره‌های اسلامی، آن آرامش و امنیتی را که قرآن کریم و احادیث نبوی(ص) و روایات معصومین(ع) بر آن تأکید دارند در این نظام مقدس اسلامی که خونبهای شهدای گرانقدر است پیاده کنند.

### چگونگی کاربرد قاعده لاضرر

#### در نظام اسلامی در مورد معماری و شهرسازی

برای پیاده کردن یا اجرای قاعده لاضرر در یک نظام اسلامی و یا به عبارتی در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی باید مراحل زیر را طی کنیم.

۱- برنامه‌ریزی بر مبنای قاعده لاضرر

۲- طراحی شهری و طراحی معماری بر مبنای قاعده مذکور

۳- اجرا و ساخت

گرچه این سه مرحله از هم قابل تفکیک نیست ولی به هر حال جهت اعمال قاعده لاضرر در هر یک از موارد امری است ضروری، چه در مرحله برنامه‌ریزی کلان و چه در طراحی و یا ساخت و ساز.

### مرحله برنامه‌ریزی

در مرحله برنامه‌ریزی، اعمال قاعده لاضرر مستقیماً در اختیار معمار و یا شهرساز نیست ولی حضور معمار یا شهرساز در این مرحله می‌تواند در جهت روشن شدن چگونگی اضرار به غیر و اعمال قاعده لاضرر مفید باشد. بدیهی است چنین مقررات و ضوابطی که در مرحله برنامه‌ریزی تصویب شده و در اختیار معماران و شهرسازان قرار می‌گیرد، راهگشای آنها در مراحل طراحی بوده و مشکل آنها را در جهت مغایرت با قاعده لاضرر حل می‌کند. طبیعی است این مقررات و ضوابط می‌تواند به عنوان آیین‌نامه به دستگاههای اجرایی ذیربط ابلاغ شود. بدیهی است حاکمیت قاعده لاضرر در مرحله برنامه‌ریزی با توجه به قاعده تسلیط است یعنی افراد علی‌رغم مسلط بودن بر اموال خود، هرگز حق اضرار به غیر را نخواهند داشت و قاعده لاضرر باید بشدت در مرحله برنامه‌ریزی رعایت شود.

### مرحله طراحی

شاید این مرحله از نظر اهمیت ظهور و تبلور خارجی، حساس‌ترین مرحله باشد. زیرا ما در طراحی می‌توانیم تبلور ضوابط و مقررات تدوین شده در مرحله برنامه‌ریزی موضوع قاعده لاضرر را به عینه مشاهده کنیم، یا به عبارت دیگر قاعده لاضرر در طرح معماری یا شهرسازی ما تعریف شده باشد. به هر جهت در این مرحله طرحها و مدارک لازم تهیه شده برای اجرا نباید هیچ‌گونه تعارضی با قاعده لاضرر داشته باشد. زیرا تمام ساخت و سازها بر اساس نقشه‌ها و مدارک تدوین شده این مرحله انجام می‌پذیرد و راه زیان رساندن به دیگران در ساخت و سازهای شهری باید از همین مرحله مسدود شود چه بسا غفلت و یا عدم توجه به قاعده لاضرر در این مرحله می‌تواند زیانهای مادی و معنوی و روانی بسیاری برای دیگران به وجود آورد که رفع آن پس از اجرا به آسانی ممکن نیست. متأسفانه در حال حاضر که در مراحل برنامه‌ریزی و طراحی توجهی به قاعده لاضرر نمی‌شود مشکلات

عديده‌ای متوجه شهروندان می‌شود که اغلب غیر قابل اصلاح است.

### مرحله اجرا و یا ساخت

همان‌طور که می‌دانیم، در این مرحله طراحی ما مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های مدون و مصوب، شکل کالبدی خود را پیدا می‌کند. لذا این مرحله نیز یکی از مراحل حساس و مهم تطبیق قاعده لاضرر در امر معماری و شهرسازی است. یعنی در این مرحله می‌توانیم مشاهده کنیم که آیا قاعده تسلیط با قاعده لاضرر تعارض دارد یا خیر و در صورت تعارض کدام حاکم است. در یک نظام اسلامی حتی اگر در برنامه‌ریزی و طراحی توجهی به قاعده لاضرر نشده باشد ما ناگزیریم در مرحله ساخت به این امر توجه داشته باشیم و حتی المقدور از قاعده لاضرر عدول نکنیم.

در خاتمه بحث قاعده لاضرر، باید توجه داشته باشیم به لحاظ تغییراتی که در بافت سنتی جامعه به وجود آمده، بخصوص زوجهای جوان پس از ازدواج یا حتی از قبل از ازدواج به فکر استقلال می‌باشند. این امر باعث کمبود مسکن و فضای شهری شده و لاجرم مسکن‌سازان به لحاظ محدودیت زمین، به ارتفاع روی آورده‌اند. این امر مشکلات جدیدی را در رابطه با همجواری به وجود آورده است که ضرورت توجه به قاعده لاضرر را بیشتر نمایان می‌سازد. چه بسا در آینده، مسائل مستحدثه جدیدی را در مسائل شهرسازی داشته باشیم که شاید لازم باشد فقهای عالی‌قدر در رابطه با تعارض قاعده تسلیط و قاعده لاضرر بررسی‌های مجدّدی را به عمل آورند و مشکلاتی را که از نظر شهرسازی امروزه به وجود آمده حل کنند. انشاء... ●

۱. کافی، کتاب المعیشه، باب الضرار.

۲. موضوعی که امروز مخصوصاً در شهر تهران با برج‌سازی‌های بدون ضابطه مصداق پیدا می‌کند.

۳. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴. البته با توجه به نظر امام خمینی رضوان الله تعالی علیه (الرسائل، ج ۱، ص ۶۳) که قاعده لاضرر را فقط ناظر به قاعده تسلیط می‌داند و آن را محدود می‌کند شاید بتوان گفت که بعید نیست همین جلوگیری از تور آفتاب هم از مصادیق قاعده لاضرر باشد و باید از چنین ساخت و سازهایی جلوگیری شود.

### منابع:

۱. قرآن کریم

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی

۳. تفسیر نمونه، زیر نظر آیت... مکارم شیرازی

۴. قواعد فقه، محقق داماد

